



گرامی باد: بیست و ششمین سالگرد قیام بهمن ماه و سی چهارمین سالگرد حماسه سیاهکل

هم میهنان مبارز

نوزدهم بهمن ماه ۱۳۴۹ فصل تازه ای در تاریخ مبارزات انقلابی ایران گشوده شد. در این روز چریکهای فدایی خلق ایران با حمله با پاسگاه ژاندارمری سیاهکل، شالوده چنان مبارزه ای را بر علیه رژیم دیکتاتوری شاه بنهادند که در بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۵۷ بساط نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران در هم پیچیده شد.

تعرض دلیرانه فدائیان خلق در آن سالها، یخ سکوت و سنگین سالهای بی عملی رفرمیستها به رهبری حزب توده را درهم شکست. از آن پس نیروی جوان و پر شوری تحت تأثیر جنبش نوین کمونیستی و مبارزه مسلحانه به پیکار انقلابی علیه دیکتاتوری شاه دست زدند. اگرچه کاستی ها و بی تجربگی ها مانع از آن شد تا پیوند لازم با طبقه کارگر برقرار شود، اما سرانجام کارگران نیز به صف مبارزه انقلابی پیوستند. قبل از قیام بهمن ماه، کارگران توانستند با برپایی اعتصابات سراسری و تداوم آن، سیستم اقتصادی رژیم شاه را فلج کنند و نقش برجسته ای در ساقط کردن حکومت پهلوی ایفاء نمایند.

در روز ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ حمله بموقع و شجاعانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مراکز سرکوب رژیم شاه موجب شد تا ابتدا عده ای از پرسنل انقلابی به همراه ده هাজার نفر از توده های مردم با هدف براندازی دیکتاتوری شاه به پادگانها حمله کنند. در پایان همان روز خیابانهای تهران شاهد میلیونها مردمی بود که اکثر مراکز سرکوب و اختناق را یکی پس از دیگری تسخیر می نمودند. بدینسان توده های مردم با قهر انقلابی رژیم دیکتاتوری شاه را سرنگون ساختند.

علی رغم تمام آن جانفشانیها و نقش آفرینی های نیروهای انقلابی و مترقی، اما سرانجام به علت کمبودها و بی تجربگی ها، رهبری مبارزه از کف نیروهای انقلابی خارج شد. جبهه ارتجاع به رهبری خمینی نامی با حمایت امپریالیسم جهانی بر امواج انقلاب تکیه زدند و آنرا به بیراه کشاندند. از آن پس رژیم دیکتاتوری جدیدی بانام جمهوری اسلامی به مردم ایران تحمیل شد. عناصر اصلی و مهره های تشکیل دهنده این «نظام الهی» در زمره مرتجع ترین جریانات مذهبی ایران محسوب می شوند.

در وصف فجایع و ددمنشی های رژیم جمهوری اسلامی نسبت به مردم ایران تاکنون هیچ مکتوبی بیانگر تمام حقایق نبوده است. بیست و شش سال دیکتاتوری مذهبی و سببیت لجام گسیخته چیزی نیست به جز اعمال توحش و بربریت. همین بس که این رژیم واپس گرا در عرصه اقتصادی فقر و فلاکت را برای توده مردم به ارمغان آورده است و در عرصه سیاسی و فرهنگی مبلغ و مروج افکار و خرافات عصر جاهلیت گردیده است.

اکنون مادر شرایطی سالگرد این دو واقعه تاریخی را گرامی می داریم که جنبش انقلابی ایران بیش از هر وقت دیگری به منطق، خردجمعی و یاری اقشار مختلف جامعه نیازمند است. هم اکنون در سایه اعمال دیکتاتوری و خفقان به هیچ حزب و سازمان انقلابی اجازه فعالیت داده نمی شود. به هیچ شکل کارگری، دانشجویی، و یا صنفی اجازه حضور نمی دهند. بر بستر این قبیل نابخردیها، رژیم حاکم تلاش دارد، عموم کارگران و زحمتکشان ایران را از صحنه سیاست دور نگهدارد. مگرزیر پرچم جمهوری اسلامی و در چارچوب حکومت ولایت فقیه. همان سیاستی که در زمان دیکتاتوری شاه اعمال می گردید و مردم مجاز بودند فقط در حزب رستاخیز عضویت یابند. تداوم این سیاست در داخل ایران و سیاست های بلند پروازانه رژیم در خارج از مرزهای ایران بهانه ای را به امپریالیسم آمریکا داده است تا آنها به غلط چنین پندارند: چون مردم ایران مخالف رژیم جمهوری اسلامی هستند، بنا براین موافق آمریکا می باشند.؟! امپریالیسم آمریکا کار را بجایی کشانده است که علنا کشور ما را تهدید می کند و برای ارضاء طمع سیری ناپذیرش ادعا می کند بعد از عراق اکنون نوبت حمله به ایران رسیده است.

هنوز جنگ اشغالگرانه و ویرانگریهای جنگ در کشور همسایه ما عراق پایان نیافته است که شبیح دهشتناک جنگ دیگری ، این بار بر فراز کشور ما بال گسترده است . صرف نظر از ماهیت جنگ طلبانه امپریالیسم ، در شرایط کنونی علت اصلی جنگ افروزی و کشورگشایی آمریکا در بحران عمیق اقتصادی این کشور نهفته است . آمریکا از یکسو درگرداب عمیقی در عراق گرفتار آمده است ، از سوی دیگر بر طبق آمار منتشره از جانب مطبوعات خودشان ، این کشور در ده سال آینده با کسری بودجه ای معادل ۸۸۰ میلیارد دلار مواجه است . تأمین چنین کسری هنگفتی از طریق توسعه برنامه های اقتصادی و صدور سرمایه میسر نمی باشد . کسری عظیم ۸۸۰ میلیارد دلار بودجه در حقیقت گواهی یک نوع ورشکستگی مالی است که با گامهای بزرگی به سوی آمریکا خیز برداشته است . در این میان رقبای اروپایی آمریکا نیز بخش عمده بازار پر سود ایران را از چنگ آمریکا خارج کرده اند . از اینرو کاملاً قابل درک است که برای تصاحب این بازار و تأمین کسری بودجه دو راه در مقابل آمریکا قرار گرفته است . یا باید برای برون رفت از این بحران عظیم جنگ را برای آمریکائیان مقدس معرفی نماید و یا آغاز سقوط امپراطوری اش را بپذیرد . امپریالیسم آمریکا نیز همانند سایر کشورگشایان و اسلاف خویش نظیر: آتیلا و تیمور ، راه اول را برگزیده است . گزینش راه سیاسی و پذیرش روش منطقی برای آمریکا آنجا مشکل تر می شود که چین ، ژاپن و روسیه نیز هریک جداگانه از طرفهای عمده تجاری ایران محسوب می شوند . آمریکا بهانه ای برای بیرون راندن این کشورها از بازار ایران و حذف آنان از این رقابت را پیدا نمی کند . از اینرو حمله به ایران و آغاز جنگ ، حمله به منافع سایر کشورها نظیر اروپائیان ، چین ، ژاپن و روسیه نیز محسوب می شود .

کاملاً آشکار است هر آینه رژیم بوش به چنین ماجراجویی عظیمی روی آورد و قصد خود را مبنی بر حمله نظامی به ایران عملی سازد ، این جنگ صدها بار ویرانگر تر از جنگ با عراق و یا نمونه های مشابه آن خواهد بود که تاکنون آمریکا در سایر نقاط دنیا بر پا ساخته است . به قضاوت قدمت تاریخی هزاران ساله ایران ، باتوجه به وسعت جغرافیائی ، سوابق مبارزاتی و جان فشانیهای مردم در راه استقلالی و آزادی ، تاکنون هیچ قدرتی نتوانسته است ایران را به انقیاد خود در آورد . ایران نه عراق است و نه افغانستان . مردم ما علی رغم تمام انزجار خود از رژیم جمهوری اسلامی ایران ، اما هرگز سلطه هیچ بیگانه ای را نخواهند پذیرفت و یکپارچه در مقابل حمله دشمن خارجی ایستادگی خواهند کرد . امر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به مردم ایران مربوط است و نه هیچ قدرت خارجی . آمریکا مطمئن باشد اگر مردم ایران مجبور باشند ده ها سال دیگر تحت سلطه حکومت اسلامی زندگی کنند ، هرگز به ننگ پذیرش تسلط هیچ نیروی خارجی در ایران تن در نخواهند داد . اگر چه در حال حاضر مقدمه چینی های این جنگ تدارک دیده می شود اما ، در صورت وقوع چنین جنگی ، هیچ کشوری در جهان یافت نخواهد شد که از تأثیر این جنگ و بیم وقوع جنگی بمراتب مهیب تر ، آرامش مردمانش بر هم زده نشود . اگر آمریکا ادعای گستاخانه خود را عملی سازد ، مطمئناً نه تنها زندگی مردم ایران و آمریکا ، بلکه شادی همه مردم دنیا به اندوه و ماتم بدل خواهد شد . گزافه نیست اگر بگوئیم حمله نظامی به ایران ، سیمای تمام جهان را به صورت منفی تغییر خواهد داد .

هم اکنون وضعیت دنیا بخاطر پیشرفت سلاحهای مرگبار اتمی ، شیمیائی و موشکی به گونه ای است که در صورت عدم کنترل آن از طریق راههای سیاسی و منطق ، می تواند به سرعت شعله های جنگ را از یک کشور به کشور دیگری سرایت دهد و سرانجام دنیا را بکام خود فروبرد . تجارب تلخ جنگهای گذشته نشان می دهد مردم عادی و طبقات زحمتکش جوامع ، قربانیان اصلی این بدکرداری و بدخواهی جنگ افروزان کاخ نشین خواهند شد . تجارب ۸ سال جنگ ایران و عراق ثابت کرده است ، فارغ از اینکه چه طرفی فاتح و یا مغلوب می شود ، اما این تودهای مردم می باشند که بایستی بهای سنگین آنرا بپردازند ، همانطور که هنوز در ایران و عراق آثار شوم آن جنگ از جامعه زودده نشده است .

طی سالهای گذشته آمریکا برای تغییر رژیم های خودکامه و جایگزینی آنها با دیکتاتور تازه نفس همواره از حربه حقوق بشر و احیای دمکراسی بهره گرفته است . اجرای این سناریو همیشه با استفاده از عناصر سرسپرده و تربیت شده این قبیل کشورها به اجرا در آمده است . تجربه نشان می دهد با انتخاب مهره جدید بجای سر سپردگان قبلی ، ناگهان دنیای غرب آنچنان معرفی مبالغه آمیزی از این افراد می نماید که فقط در عالم تخیل تصورش خواهد رفت . اکنون چندسالی است که آمریکا با سرمایه گذاری و تبلیغ پیرامون پسر شاه تصور می کند وی و اطرافیانش را می تواند دو باره در ایران به تاج و تخت برساند . پشتیبانی های همه جانبه آمریکا از پسر دیکتاتور سابق ایران باعث شده است تا یک سری جریانات خائن به مردم نظیر سازمان اکثریت و عده ای عناصر معلوم الحال که به مقتضای زمان و شرایط ، گاه جایگاه خود را در «شورای ملی مقاومت» ، گاه در دسته موسوم به

« جمهوریخواهان » و امثالهم جستجو می کنند، اکنون پروانه وار به رضا پهلوی نزدیک شوند.

ملعبه ای که در ماههای گذشته با حمایت آمریکا تحت لوای «رفراندوم»، آنهم به نام اپوزیسیون، با شرکت بعضی از عناصر حزب مشارکت اسلامی، پسر شاه، سازمان خائن اکثریت و امثالهم به راه افتاده است، نشانه عدم درک صحیح آمریکائیان از مسائل ایران است. این ملغمه طی سالهای گذشته نیز تحت لوای نامهای دیگر و حرکتیهای دیگر کارایی اش را به مردم ایران ثابت کرده است. اهداف این جماعت چیزی نیست که از دید مردم ایران پنهان بماند و یا کسی نسبت به آنها توهم پیدا کند. اینگونه عوام فریبی ها قبل از اینکه بتواند مردم ایران و مبارزات آنان را بکجراه بکشاند، فقط دست مایه و تمسخر رژیم جمهوری اسلامی و موجب گمراهی عده قلیلی در خارج از کشور را فراهم خواهد ساخت.

کارگران و زحمتکشان ایران

علی رغم فقدان تشکل های مستقل کارگری و تداوم فشار بر محیط های کار، سالهای گذشته مشحون از رویدادهای مبارزاتی و موفقیت هایی برای کارگران ایران بوده است. جنبش کارگری ایران به دفعات مکرر با برپایی اعتصابات و تحصن، حضور فعال خود را در صحنه سیاسی باثبات رسانده است. در این سالهای مخوف، بطور دائم تحرک طبقه کارگر و پی گیری مطالبات طبقاتی آنها دنبال گردیده است. این گونه عملکردها نشانه مطمئنی است از اراده طبقه ای که مصمم است سرنوشت خود را در دست گیرد. از سوی دیگر حضور دائمی کارگران در صحنه سیاسی بمثابه عامل مساعدی برای پیش برد اهداف جنبش انقلابی ایران می باشد. در چنین شرایطی یگانه راه نجات مردم ایران در گرو سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی ایران است. برای رسیدن به این هدف، نیروهای انقلابی و مترقی باید راه اتحاد و اتفاق را در پیش گیرند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

بر قرارباد جمهوری دمکراتیک خلق

گرامی باد خاطره شهدای قیام بهمن و سیاهکل

زنده باد سوسیالیسم

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۱۹ بهمن ۱۳۸۳ - ۸ فوریه ۲۰۰۵

web:<http://www.iranian-fedaii.de>

em:organisation@iranian-fedaii.de

Address: A.C.P-Postfach 12 02 06 - 60115 Frankfurt am Main-Germany Fax:+49-221-170 490 21